

مورد عجیب تفنگ در آمریکا

تفنگ با تاریخ آمریکا گره خورده است

کمتر از سه هفته پیش ۹۹۴ مین قتل عام (Mass Shooting) در آمریکا در طول ۳ سال گذشته در مدرسه‌ای در ایالت آرگان رخ داد که ۱۰ کشته برجا گذاشت و اواما برای پانزدهمین بار درباره مسئله سلاح در آمریکا و عادی شدن این قتل عام‌ها حرف زد.^۱ در سال ۲۰۱۵، تا این لحظه ۲۹۸ مورد قتل از این دست در آمریکا رخ داده است که تاکنون ۳۷۹ کشته و ۱۰۹۴ زخمی داشته است.^۲ در آمریکا به طور متوسط روزانه بیش از ۳۰ نفر با شلیک گلوله به قتل می‌رسند و سالانه بیش از ۳۰ هزار نفر به اشکال مختلف (در سرقت، جرائم مواد مخدر، خودکشی، خطا در استفاده از تفنگ و ...) با سلاح گرم کشته می‌شوند.^۳ به این آمارها آمارهای مختلف بسیاری در زمینه مرگ و میر در اثر شلیک گلوله می‌توان اضافه کرد که در طول سال‌های اخیر رخ داده است: اینکه بیش از هر بیماری‌ای در آمریکا مردم با تفنگ کشته می‌شوند، اینکه نیمی از قتل‌ها با تفنگ است، اینکه نسبت آمریکایی‌های کشته شده با تفنگ، بسیار بیشتر از ترورشدگان است، اینکه بیشتر جرائم با تفنگ رخ می‌دهد، اینکه چه گروه‌های سنی، نژادی، تحصیلی از تفنگ استفاده می‌کنند و غیره. آمارهایی از این دست و اخبار مربوط به قتل عام با تفنگ، آمارها و اخباری تکراری است که پیوسته در اخبار رسانه‌ها به آن‌ها اشاره می‌شود و نشان می‌دهد که مسئله سلاح تبدیل به مسئله‌ای اجتماعی شده است. این آمارها این ایده را به ذهن متبادر می‌کند که مسئله سلاح در آمریکا یک معضل اجتماعی واضح است و احتمالاً حمایت طیف وسیعی از مردم را با خود خواهد داشت که خواهان اعمال محدودیت بر قوانین سلاح یا حتی خواهان قوانینی برای جمع شدن اسلحه خواهند بود. پس چرا تغییری در این زمینه نمی‌دهد؟

¹ <http://www.theguardian.com/us-news/2015/oct/01/obama-oregon-college-shooting-routine>

² http://shootingtracker.com/wiki/Mass_Shootings_in_2015

³ <http://heedinggodscall.org/content/pfctoolkit-10>

یک تحلیل تقلیل‌گرایانه یا حتی ساده‌انگارانه سیاسی این است که لابی پرنفوذ انجمن ملی اسلحه⁴، مسئول همه این ماجرا است که اجازه نمی‌دهد قوانین محدودسازی خرید و فروش و حمل و نگهداری سلاح وضع شود و در مقابل منافع ملی مردم آمریکا ایستاده است و مردم را به کشتن می‌دهد. این درست است که انجمن ملی اسلحه، هزینه سیاسی و تبلیغاتی بسیار هنگفتی می‌کند تا جلوی تغییر قوانین مربوط به اسلحه را بگیرد؛ از تقویت پارانوئای سیاسی اجتماعی با تبلیغاتی که تصاویری آخرالزمانی از دنیا ارائه می‌کند و اینکه تنها راه مقابله در آن آخرالزمان، خود مردم و تفنگ‌هایشان هستند؛ تا خرید نمایندگان کنگره برای مقاومت در برابر هر نوع اعمال محدودیت قانونی در مورد آزادی سلاح؛ با این حال، این همه واقعیت نیست و واقعیت اجتماعی چیز دیگری را نشان می‌دهد. در سال‌های اخیر در اوج بحث و گفتگو و فشار برخی نهادهای مدنی و اوپاما، درخواستشان از کنگره برای وضع قوانینی به منظور اعمال صرفاً چند محدودیت ساده (مثل استعمال دقیق‌تر در زمینه سابقه جنایی خریداران تفنگ یا سابقه بیماری روانی آنها) بود که بعد از فضای هیجانی قتل عام کودکان مدرسه سندی هوک در سال ۲۰۱۳ پیگیری شد، اما با فشار برخی گروه‌های اجتماعی دیگر، حزب جمهوری‌خواه و انجمن ملی اسلحه مسکوت ماند. رئیس انجمن ملی اسلحه صراحتاً اعلام کرد که از تمام توان سیاسی اجتماعی خود استفاده خواهیم کرد تا جلوی هر تغییری در قوانین را بگیریم؛ چرا که این اعمال محدودیت‌ها می‌تواند مقدمه‌ای برای اعمال محدودیت‌های بیشتر در آینده باشد. اما جالب اینکه در همین زمان که اوپاما صرفاً خواستار «اقدامی معنادار» (یعنی همان چند محدودیت ساده) در این زمینه بود، آمار خرید و فروش سلاح در آمریکا افزایشی ناگهانی پیدا کرد. بسیاری از مردم نگران از اینکه نکند قوانین خرید و فروش سلاح سخت شود به فروشگاه‌های تفنگ هجوم بردند و چندین قبضه اسلحه بیشتر برای روز مبادا خریدند.

انجمن ملی اسلحه آمریکا و مردم آمریکا دو جبهه مقابل هم نیستند، بلکه همدیگر را تقویت می‌کنند. اکثر مردم در زمینه «حق داشتن سلاح» و نیمی از مردم در زمینه عدم اعمال محدودیت در قوانین موجود در جبهه آنها هستند. داده‌ها و مشاهدات اجتماعی موید این مطلب است. به طوری که یک سال پس از حادثه قتل عام ۲۰ کودک و ۶ نفر از کارکنان مدرسه «سندی هوک»

⁴ The National Rifle Association of America

در ایالت کنتیکت، نظرسنجی سال ۲۰۱۳ نشان داد که همچنان فضای جامعه در مورد اعمال محدودیت بیشتر یا کمتر بر خرید و فروش اسلحه دو قطبی است و در مورد ممنوعیت یا عدم ممنوعیت نگهداری سلاح به نفع عدم ممنوعیت است. نظرسنجی گالوپ نیز در سال ۲۰۱۳ نشان داد ۷۴ درصد مردم معتقدند مالکیت سلاح نباید ممنوع شود و تنها ۲۵ درصد به ممنوعیت مالکیت سلاح معتقدند. در مورد قوانین موجود، ۴۹ درصد معتقدند که باید قوانین خرید و فروش سلاح با محدودیت بیشتری همراه باشد و در مقابل، ۵۰ درصد معتقدند که قانون موجود نباید تغییر کند یا حتی باید از محدودیت‌شان کاسته شود.^۵ طرفداران آزادی اسلحه به پشتوانه حقوقی این مسئله تکیه می‌کنند.

«منشور حقوق» شامل ده متمم قانون اساسی آمریکا است که بنیانگذاران آمریکا بعد از جنگ‌های استقلال علیه بریتانیا در سال ۱۷۹۱ آن را به قانون اساسی آمریکا اضافه کردند تا ضامن آزادی‌های فردی باشند. متمم دوم به صراحت بر حق نگهداری و حمل سلاح تاکید دارد: «داشتن یک نیروی منظم شبه نظامی مردمی، برای امنیت یک کشور آزاد، ضروری است، و حق مردم برای حمل و نگهداری اسلحه محترم شمرده می‌شود.» هدف از این متمم که به قانون اضافه شد دفاع از آزادی‌های فردی و محدود کردن قدرت حکومت و جلوگیری از خودکامگی احتمالی حاکمان است که به مردم اجازه می‌دهد با ایجاد گروه‌های شبه نظامی و داشتن سلاح به مقابله با آن بپردازند. قانون حمل اسلحه، خرید و فروش و نگهداری آن، فدرال است و دولت فدرال، حداقل‌های لازم را برای نظارت بر اسلحه در نظر گرفته و فقط در ایالت‌های مختلف قانون نحوه خرید و استفاده آن متفاوت است. در طول سال‌های مختلف (همچون سال ۱۹۶۸ قوانینی برای ایجاد محدودیت در فروش اسلحه به مجرمان و معلولان ذهنی و چند گروه دیگر وضع شد اما چند سال بعد این محدودیت رفع شد و هرکسی می‌تواند به آسانی سلاح بخرد) با اندکی تغییرات در قوانین مربوط به اسلحه همچنان قوانین آن با کمترین محدودیت در آمریکا اعمال می‌شود؛ به طوری که در حال حاضر در نیمی از ایالت‌های

⁵ http://www.gallup.com/poll/165563/remains-divided-passing-strict-gun-laws.aspx?g_source=gun&g_medium=search&g_campaign=tiles

آمریکا حمل سلاح در فضاهاى عمومى، آزاد است و بیش از ۲۸۳ میلیون اسلحه شخصى در دست مردم است. سالانه حدود ۴ و نیم میلیون سلاح گرم از جمله حدود ۲ میلیون هفت تیر فروخته مى‌شود.^۶

مسئله تفنگ نیز همچون بسیاری از مسائل آمریکا یک مسئله سیاسى شده و در میانه دو قطب سیاسى قرار گرفته است. در آستانه انتخابات ریاست‌جمهورى یا کنگره، همه تحلیل‌هاى تلویزیونى و تبلیغات و تصاویر با دو رنگ قرمز و آبی به نمایش درمى‌آیند که بازنمای دو قطب سیاسى دموکرات و جمهورى خواه است. ایالت‌هاى همیشه قرمز (که اغلب در مرکز و جنوب آمریکا قرار دارند) یا همیشه آبی (که عموماً در سواحل شمال شرقى و شمال غربى آمریکا قرار دارند) و ایالت‌هاىی در نوسان بین قرمز و آبی، اگرچه بازنمای دو گرایش سیاسى متفاوت در آمریکا هستند اما این شکاف به سیاست ختم نمى‌شود. گرایش و عقیده مردم به بسیاری از مسائل اجتماعى، فرهنگى و اقتصادى نیز ذیل این دو رنگ درآمده است. برای مثال، شکاف نژادى، جنسى و مذهبى موجود در جامعه آمریکا ذیل همین دسته‌بندى سیاسى قابل درک است یا اختلاف بر سر قوانین مهاجرت، اختلاف بر سر قوانین مربوط به مواد مخدر، حداقل حقوق کارگران، قوانین مربوط به زندان‌ها، قوانین مربوط به شهریه‌هاى دانشگاه، قوانین مربوط به وام‌هاى دانشجویى، قوانین مربوط به کنترل بانک‌هاى بزرگ و ... ذیل همین دو تایی قرمز و آبی جای گرفته و قابل فهم است. تغییر در هر یک از این قوانین، مستلزم یارکشی سیاسى و به هم زدن کفه ترازو به نفع یک طرف خواهد بود. قوانین مربوط به خرید و فروش و حمل و نگهدارى سلاح نیز از این قاعده، مستثنى نیست و بخشى از فضای سیاسى اجتماعى آمریکا سال‌هاست که در تلاش است تا در آن اعمال تغییر کند.

به نظر مى‌رسد سه عامل کلی وجود دارد که نه تنها تغییر قوانین اسلحه را سخت کرده، بلکه بر استمرار محبوبیت اسلحه و فرهنگ اسلحه در آمریکا کمک مى‌کند و تا اطلاع ثانوى بعید به نظر مى‌رسد کوچکترین تغییرى در زمینه قانون مربوط به سلاح رخ دهد: فراگیرى فلسفه سیاسى لیبرالیسم، جغرافیای گسترده و در نهایت لابی انجمن ملی اسلحه. تفنگ با تاریخ آمریکا گره خورده است و جزئى از هویت آمریکاییان شده است. مبارزه با استعمار و ناامنى‌هاى بعد از جنگ‌هاى استقلال و جنگ‌هاى داخلی علیه

^۶ <http://heedinggodscall.org/content/pfctoolkit-10>

برده‌داری زمینه تاریخی مهمی در ذهنیت آمریکاییان شد که برای دفاع از خود باید همیشه آمادگی داشته باشند، خواه دفاع در برابر استعمار، خواه دفاع در برابر حملات احتمالی بعد از شهر آشوب جنگ‌های داخلی. این زمینه تاریخی و توجیهات فلسفی بنیانگذاران آمریکا در اضافه کردن متمم قانون اساسی برای ساختن کشوری لیبرال که دولت را در کوچک‌ترین شکل سیاسی و اقتصادی آن می‌خواست تا زمینه بروز دیکتاتوریهایی همچون دولت استعماری بریتانیا در آن ممکن نشود، بستری را فراهم کرد که تفنگ و دفاع از خود و استقلال و مالکیت فردی حتی در برابر دولت و پلیس را که می‌تواند مصداق شر باشد، ممکن ساخت. به این زمینه سیاسی-فلسفی، جغرافیای گسترده آمریکا را هم باید اضافه کرد که مکمل آن شده است. پراکندگی بیش از اندازه جمعیت و اجتماعات نامتمرکز در بسیار از نقاط آمریکا، به تبع آن ناامنی و احساس ناامنی در برخی مناطق کم‌جمعیت را افزایش داده است. به ویژه در مناطق مرکزی و جنوبی که اجتماعات کوچک با فواصل بسیار از یکدیگر زندگی می‌کنند و گاه هر خانه چندین کیلومتر با خانه بعدی فاصله دارد، به معنای جامعه‌شناسانه آن، امکان شکل گرفتن شهر و اجتماعاتی با روابط متراکم را از بین برده و به تبع آن هر اجتماع کوچکی (که کمترین رابطه‌ای با اجتماع کوچک دور از خود دارد) به طور مستقل، بخش قابل توجهی از نیازهای خود از جمله دفاع از خود را به عهده گرفته است؛ به طوری که گویی ایده تمرکز قدرت و خشونت در دستان دولت که در عصر جدید بدیهی فرض می‌شود که باید در انحصار دولت باشد چندان خریداری ندارد. علاوه بر وابستگی ایدئولوژیک و سیاسی و مذهبی که ساکنان این مناطق به جناح جمهوری‌خواه دارند، دفاع جمهوری‌خواهان از آزادی بیشتر قوانین مربوط به اسلحه، دلیل دیگری بر این وابستگی سیاسی شده است. شکاف شهر و روستا در زمینه قوانین سلاح، کاملاً مشهود است، به طوری که ساکنان مناطق روستایی و دورافتاده، بیشتر طرفدار آزادی سلاح هستند. در کنار این عوامل است که می‌توان از لابی انجمن ملی اسلحه هم یاد کرد که از شرایط موجود استفاده می‌کند و با حمایت برخی اقشار اجتماعی و با توسل به متمم دوم قانون اساسی، مسئله تفنگ را صرفاً مسئله‌ای حقوقی و ملی‌گرایانه جلوه می‌دهد و هویت آمریکایی و تاریخ آمریکا و امنیت آمریکایی‌ها را به منافع مالی عظیم کارخانه‌های اسلحه‌سازی گره می‌زند.